

نویسنده: ویجی پرشاد (Vijay Prashad)

منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «11-06-2019».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

صلح کلمه ای است که غرب آن را از افغان ها گرفته است

peace is a word that the west taken from Afghans

بدون چشم انداز پایان جنگ در این سال؛ این سالی که گذشت؛ مرگبارترین سال برای غیر نظامیان از زمانی آغاز بمب گذاری توسط ایالات متحده امریکا در سال (2001) بالای افغانستان بوده است

With no end of war in sight, this past year has been the deadliest year for civilians since the United States first began to bomb Afghanistan in 2001



یک مرد افغان با پسر خود؛ سربازان امریکایی از قطعه هشتم د دوم نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا را در جلو دروازه خانه خود میبند که این سربازان در تحت عملیات بنام الموسویپ (Alamo sweep) خانه ای او را واقع در جنوب شرق افغانستان بتاريخ (7) نومبر سال (2002) تلاشی میکنند که در هنگام تلاشی در این خانه به تعداد (12) ماین؛ (14) نارنجک و مواد پلاستیکی انفجاری دریافت میکنند - عکاسی سکات نیلسون

مشکل است که ماهیت مذاکرات صلح افغانستان را توضیح داد؛ و هیچ جدولی با ستیزه جویان در هر دو طرف وجود ندارد؛ مذاکرات حتی که در همان جا و یا در همان شهر

اتفاق نمی افتد و یا صورت نمیگیرد چونکه حداقل دو اجماع و یا مجموعه بحث و گفتگو در حال انجام است؛ یک محل برای مذاکرات صلح در دوحه قطر؛ جای است که طالبان با دولت ایالات متحده امریکا دیدار میکند. محل دیگر مسکوروسیه است؛ جایکه طالبان در حال برگزاری جلسات با رهبران اپوزیسیون افغانی از جمله با حامد «کرزی» رئیس جمهور پیشین افغانستان اند. اشرف «غنی» رئیس جمهور فعلی و دولت او در هر دو جلسه حضور ندارند چونکه طالبان او و دولت او را غیر قانونی و نامناسب می بینند. هر کس بجز رئیس جمهور اشرف «غنی» میگویند که مذاکرات صلح پیشرفت خوبی دارد. اما دیپلمات های چائینی (مرچ و نمک زده شده) میگویند که این «پیشرفت» برای یک جنگ که کنون از مدت هژده سال دوام دارد و پیاپی آن معلوم نیست بسیار آهسته است.

قطر:

بین ماه های فیبروری و مارچ همین سال جاری نماینده ایالات متحده امریکا «زلمی خلیلزاد» و ملا عبدالغنی «برادر» یکی از بنیانگذاران حرکت طالبان در طول دور پنجم مذاکرات صلح افغانستان باهم در قطر ملاقات کردند. حسب گزارشات رسیده طالبان میگویند تا زمانیکه نیروهای خارجی از کشور خارج نشوند صلح وجود نخواهد داشت. در سطح عملی خروج تعداد (15000) سرباز و آنها عمده امریکایی از کشور موجب آن خواهد شد که کشور بدست طالبان بیفتد.

هفته گذشته نیروهای طالبان در سراسر کشور تعداد زیاد از نیروهای امنیتی و دولتی افغانستان را به قتل رساندند؛ طالبان و متحدان آنها در هر فصل بهار از سال (2002) به اینطرف از مخفی گاه های خود در کوه ها بیرون می آیند و علیه نیروهای ایالات متحده امریکا «نا تو» و افغان ها می جنگند. که وقوع بیشتر این زدوخوردها و یا جنگ ها و حملات در جنوب شرق افغانستان و بویژه در ولایات غزنی و هلمند میباشد جنگ و مبارزه شدید در این مناطق همراه با حملات انتحاری در کابل صورت میگیرد.

دو تغییر عمده در سیاست ایالات متحده امریکا نشان میدهد که دولت ایالات متحده امریکا کنون میداند که این بازی یعنی بازی جنگ در افغانستان به نقطه پایانی خود نزدیک شده است چونکه ایالات متحده در سال (2017) افشای خبر تلفات نیروهای امنیتی افغانستان را از طریق ارتباط جمعی توقف داد و امسال نیز افشای اینکه چه مقدار ساحات و یا قلمرو افغانستان در تحت کنترل دولت افغانستان است منع قرار داد. یعنی هدایت داد که رقم واقعی مناطق و قلمروهای در تحت حاکمیت دولت افغانستان را از طریق رسانه های جمعی اطلاعاتی اشاعه نکنند. ایالت متحده امریکا در یک مطالعه خود نشان داده بود که حکومت افغانستان مناطق و قلمروهای را که در تحت کنترل خود دارد ساحات و یا مناطق اند که در آن در حدود (63،5) درصد جمعیت زندگی میکنند. در حالیکه ساحات متباقی در تحت تصرف طالبان بوده است. پس به همین دلیل است که ایالات متحده افشای رقم درست مناطق تحت کنترل دولت را از طریق مید یا متوقف ساخته است.

به احتمال زیاد اینکه نیروهای ایالات متحده امریکا از افغانستان بیرون شوند و یا باقی بمانند در هر صورت آن طالبان به زودی در صدد کنترل اولسوالی های کلیدی و توأم به آن در پی دسترسی به جاده های عمده ایکه افغانستان محاط به خشکه را به بیرون

متصل میسازد میباشند. لذا اگر طالبان در مذاکرات قطر بتوانند امریکا را به خروج نیروهای اش از افغانستان متقاعد بسازد در آن صورت سرانجام کابل را نیز تصرف خواهند کرد.

مسکو :

ملا برادر در مذاکرات صلح افغانستان در قطر خواستار خروج نیروهای خارجی از افغانستان شد؛ و با ردیگر غرض اشتراک در جلسه مذاکرات صلح افغانستان که از سوی روسیه تدارک شده است به مسکو رفت. در اینجا ملا برادریکی از بنیانگذاران جنبش طالبان؛ وزیر امور خارجه روسیه **سرگ لاوروف** را شخص گوش شنوا شمرد از اینکه هر دو بر نیاز خروج نیروهای ایالات متحده امریکا از افغانستان مهر تایید گذاشتند و آنرا بعنوان نقطه پیش شرط برای مذاکرات مورد تایید قرار دادند.

حامد «کرزی» که بعنوان رهبر یک بخش از مخالفان افغانستان در این روزه ظهور کرده است با این موضع یعنی به خروج نیروهای اجنبی از کشور موافق است. محمد حنیف «اتمر» قبلاً وزیر داخله در کابینه حامد «کرزی» گفته است که او در مقابل محمد اشرف «غنی» در انتخابات ریاست جمهوری که در ماه سپتمبر برگزار میشود خود را نامزد می سازد؛ گرچه که «اتمر» هشت سال قبل از کابینه در تحت زعامت حامد «کرزی» بیرون رانده شده بود؛ اما گفته میشود که این دومرد باهم نزدیک هستند. «اتمر» خوش دارد که با طالبان در یک معامله کامل قرار گیرد و آن اینکه او نیاز آن را بعنوان یک متحد ضروری در مبارزات با دولت افغانستان علیه داعش می بیند. «غنی» که دوره ریاست جمهوری او در (22) ماه می به پایان میرسد؛ «اتمری» که به اعتقاد اکثریت مسول پیروزی «غنی» در سال (2014) بود با او روبرو میشود.

روسیه مشتاق پایان دادن به جنگ (18) ساله در افغانستان است؛ تهدیدات شورشیان از قلمرو افغانستان مدت ها است که کشورهای آسیای میانه را که همچنان روابط نزدیک با مسکو دارند دچار مشکل ساخته است. تمایل و یا جاه طلبی های چینایی ها بخاطر کمپین یک کمر بند و یک جاده از مشکل موجود در افغانستان است. که آنها رنج می برند. البته که نه بخاطر احداث خطوط آهن و جاده بلکه برای استخراج مواد معدنی معادن های دست نخورده در افغانستان. تا جاییکه آنها را در اندیشه عمیق فرو برده است فشار چین بر پاکستان بعنوان متحد کلیدی چین صعود خواهد کرد. طالبان نیز بیشتر به پاکستان نزدیک هستند و پاکستان نیز میخواهد که سهم طالبان را در دولت افغانستان در کابل ببینند تا که طالبان از منافع پاکستان در منطقه دفاع کنند و هند را کنار زنند. در ماه جون سال (2017) چین و روسیه؛ هند و پاکستان را در سازمان همکاریهای شانگهای بعنوان عضو پذیرفتند که یکی از ماموریت های اصلی این سازمان همانا حل بی ثباتی افغانستان است؛ هر دو یعنی چین و روسیه به توافق صلح در افغانستان تلاش بخرج میدهند حتی که اگر این بدان مفهوم هم باشد که اگر طالبان بعنوان یک نیروی سیاسی در کابل ظاهر شوند.

جنگ :

جنگ در افغانستان بدون تردید زشت و کریه بوده است و تعداد بی شماری از افغان ها

در این درگیری ها و جنگ ها جان های سالم خود را از دست دادند که نمیتوان آرزوها و اهداف آنها را به آسان تنظیم و فرمولبندی کرد و ارقام منتشر شده سا زمان ملل متحد نشان میدهد که در سال (2018) شمار مرگ و میر ملکی ها (3804) نفر بوده که از جمله (900) تن از آنها اطفال و کودکان کم سن بودند. که این سال یکی از مرگبارترین سال برای ملکی ها بعد از آغاز حمله و بمبارد ایالات متحده امریکا از سال (2001) برای افغانستان است .

مرگ گرچه خود نتیجه یک جنگ است ولی عامل دیگر مرگ همانا گرسنگی است دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور انسانی (The UN office for the coordination of Humanitarian Affairs =OCHA) در افغانستان گفت : که نیمی از جمعیت افغانستان در طول سال جاری نیاز به کمک غذایی دارند و این (3،3) میلیون نفر افغان به نسبت خشک سالی و از بین رفتن و تخریب شدن کانال های آب و عدم زرع زمین های زراعتی مبتلا به قحطی و گرسنگی شده اند ؛ خشک سالی در غرب افغانستان در حدود (275000) نفر دیگر را بدنبال غذا کشاند که بخاطر دریافت غذا در سراسر کشور سرگردان شدند . گرسنگی خود سوء تغذی و بیماری را تشدید میکند و تاکنون نشانه ای کمتری برای کمک به این افراد فاقه و گرسنه وجود دارد .

تمام نشانه ها به تمایل دولت ایالات متحده امریکا و دونالد ترامپ برای خروج نیروهای ایالات متحده امریکا از افغانستان اشاره دارد . دادگاه بین المللی کیفری سعی داشت؛ تحقیقات جنایی جنگی را بر اساس یافته های اولیه انجام دهد که نیروهای امریکایی قوانین بین المللی را در افغانستان نقض کرده اند ؛ اما دولت ترامپ این تحقیقات را مسدود کرد ؛ و اما در (7) ماه جون دادستان کل (ICC) ؛ فاتو بنسودا تقاضای ادامه کار خود را صادر کرد ولی به نظر میرسد که بنسودا تمایل به پذیرفتن پرونده از نظر سیاسی ندارد. در جلسه ای که در قطر برگزار میشود از سوی ایالات متحده بعنوان بخشی از درخواستهای طالبان پذیرفته شده است در صورتیکه دولت افغانستان خواستار لغو این پرونده شود .

از سوی دیگر بسیاری از کشورهای اروپایی شروع به اخراج پناهنجویان افغان کرده اند و آنهم به پیشکش این دلیل که آنها پناهجو نیستند بلکه مهاجران اقتصادی هستند گزارش پناهدهندگان نا روی در سال (2018) گزارش میدهد ؛ با اینحال کسانیکه اخراج شده اند و یا مجدداً فرار کرده اند هیچکدام از این ها برای کشورهای اروپایی در خور اهمیت نیست ، دوباره جوان سازی نژاد پرستی و بیگانگی ترسی (xenophobia) این سیاست را تحریک میکند . فشار از اروپا برای پایان دادن به این جنگ همه روزه افزایش می یابد و این احتمال هم وجود دارد که این فشار در ستاد «ناتو» نیز بوقوع بپیوندد که تا ثیر آن بر زمان بندی خروج امریکا از افغانستان نیز میتواند باشد . مذاکرات صلح در قطر و روسیه بلافاصله منجر به نتیجه مستقیم نخواهد شد. افغانستان بیش از حد بعد از اعتماد و اعتقاد بر دیگران تخریب شده است و آینده خود را نسبت به احزاب خارجی کمتر اهمیت می دهد، بدون آنکه بر بُرد خود بیاندیشد .

-----**با تقدیم سلام ها «2019-06-20»**

